هو العلیم

فلسفهٔ دعا و شرایط استجابت (۲)

مبانی اخلاق ـ مجلس هشتم

بیانات
علامه حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی
قدّس الله سرّه

طهران، مسجد قائم، شب ۲۱ رمضان المبارک سال ۱۳۹۷ هجری قمری

أعوذ باللَه منَ الشَّيطان الرَّجيم

بسم اللَه الرّحمٰن الرّحيم

بارئِ الخَلائقِ أجمعينَ باعثِ الأنبياءِ و المُرسلين

و الصَّلاةُ و السّلامُ عَلیٰ أشرفِ السُّفَراءِ المُكرَّمينَ، خاتم الأنبياءِ و المُرسلين

حَبيب إله العالَمين، أبی‌القاسم محمّدٍ و عَلیٰ آله الطَّيِّبين الطّاهرين

و لعنةُ اللَه عَلیٰ أعدائهم أجمعين من الآن إلیٰ يوم الدّين

دعا روح عبادت

قال اللَه الحَكيمُ فی كِتابهِ الكَريم:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ﴾.[1]

سابقاً عرض شد كه اساس دين بر عبادت است و اساس عبادت بر دعا است. دعا روح و جان عبادت است، و شخصيّت و كينونت شخص مؤمن و متديّنِ به دين، به همان حال التجا و توسّلی كه به مقصد خود و به خدا دارد بستگی دارد؛ هرچه اين حال بهتر باشد، ايمان او قوی‌تر و يقين او استوارتر است و هرچه كمتر باشد، از اين مرحله نصيب كمتری دارد.

شرايط استجابت دعا

برای دعا شرايطی ذكر شده است، مِن جملهٔ آن شرايط: يكی اين است كه انسان قبل از دعا، خدا را تمجيد كند، تحميد كند، تحسين كند، صفات عليا و اسماء حسنای او را برشمرد، او را به قدرت و عظمت بستايد، يكايک نِعمی را كه به انسان داده است ياد كند و بعد دعا كند و از او چيزی طلب كند.[2]

لذا مشاهده می‌كنيم در ادعيّه‌ای كه از ائمّهٔ اطهار عليهم السّلام روايت شده است، همه بر اين مضمون و بر اين طريق است. در همين دعای افتتاح كه در شب‌های ماه رمضان می‌خوانيم و دعای بسيار عالية المضامينی است، اوّل به حمد خدا و ستايش او شروع می‌كند:

---

[1] سوره بقره (۲) آيه ۱۸٦.

[2] *إحياء علوم الدّين*، ج ۱، جزء ۳، ص ٥٥٦؛ *الكافی*، ج ۲، ص ٤٨٤ و ٤٨٥.

اللَهمّ إنّ أفتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمدِكَ و أنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ...

و صفات خدا را می‌شمارد و تمجید می‌کند و بعد درخواست می‌کند:

اللَهمّ إنّ أسأَلُكَ قَليلًا مِن كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بی إلَيهِ عَظيمَةٍ....[1]

و آن‌وقت دعا می‌کند.

در دعای کمیل داریم:

اللَهمّ إنّ أسأَلُكَ بِرَحمَتِكَ الّتی وَسِعَتْ كُلَّ شَیءٍ، و بِقوَّتِكَ الّتی قَهَرتَ بِها كُلَّ شَیءٍ و خضَعَ لها كُلُّ شَیءٍ...

یکایک صفات خدا را می‌شمارد و بعد می‌گوید:

اللَهمّ اغفِر لِیَ الذُّنوبَ الّتی تَهتِكُ العِصَم... .[2] و شروع به دعا می‌کند.

یا در دعای صباح داریم:

اللَهمّ یا مَن دَلَعَ لِسانَ الصَّباحِ بِنُطقِ تَبَلُّجِهِ، و سَرَّحَ قِطَعَ اللَیلِ المُظلِمِ بِغَیاهِبِ تَلَجلُجِهِ...

و بعد شروع به دعا می‌کند:

و افتَحِ اللَهمّ لَنا مَصاریعَ الصَّباحِ بِمَفاتیحِ الرَّحمَةِ و الفَلاح....[3]

و حقّاً هم همین‌طور است؛ انسان وقتی چیزی از یک بزرگ تقاضا می‌کند، اوّل صفات و کرم او را بیان می‌کند و بعد از او تقاضا می‌کند.

یکی دیگر از شرایط دعا «یقین» است به اینکه مطمئن باشد که خدا می‌تواند حاجت انسان را بدهد، و دعا از روی شکّ و تردید و ریب نباشد. هر دعایی که از روی یقین باشد، به منصّهٔ اجابت می‌رسد![4]

---

[1] *تهذیب الأحکام*، ج ۳، ص ۱۰۸ ـ ۱۱۱. *شرح فقراتی از دعای افتتاح*، ص ۲٤ و۱۵۳:

«خدایا من افتتاح می‌کنم ثناء را به حمد تو، و تو کارهای راست و درست و یقینی و استوار را از روی منّ خود و کرم خود تَسدید می‌کنی (یعنی کار را محکم می‌کنی).

پروردگارا، من از تو درخواست مسئله‌ای کوچک از دریای بی‌کران لطف تو دارم، درحالی‌که نیاز من به آن بسیار است.»

[2] *مصباح المتهجّد*، ج ۲، ص ۸٤٤ ـ ۸۵۰. ترجمه از *معاد شناسی*، ج ۳، ص ۱۵۷؛ و *شرح فقراتی از دعای أبوحمزه*، ج ۲، ص ۱٦٤:

«بار خدای من، من تو را می‌خوانم به مقام رحمت خود که تمام موجودات را فرا گرفته است، و به قوّتت که با آن تمام موجودات را مقهور فرمودی و در مقابل آن همه چیز به حال خضوع و ذلّت درآمد... .

خدایا بیامرز آن گناهانی را که پرده عصمت را پاره می‌کند.»

[3] *بحار الأنوار*، ج ۸٤، ص ۳۳۹ ـ ۳٤۱. ترجمه:

«بار پروردگارا، ای کسی که روشنایی صبح‌دم را با بیان تابناکش بیرون آورد، و قطعه‌های شب تاریک را با سیاهی تحیّرش پراکنده کرد...

خدایا، درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا!» (محقّق)

[4] *الکافی*، ج ۲، ص ٤۷۳.

یکی دیگر از شرایط دعا «إلحاح» است، یعنی اصرار کردن. انسان وقتی چیزی از شخصی می‌خواهد و می‌داند که این مشکل فقط به دست او حل می‌شود، جدّی می‌خواهد؛ امّا اگر شکّ داشته باشد که آن شخص می‌تواند این مشکل را حلّ کند یا نه، با خون‌سردی از او مطلبی را تقاضا می‌کند. از خدا باید جدّی خواست؛[1] چون:

أزِمَّةُ الأُمورِ طُرًّا بيَدِهِ * و الكُلُّ مُستَمِدَّةٌ مِن مَدَدَهِ**[2]

«تمام این زمام‌ها و رشته‌های امور به دست خدا است، و تمام کائنات از مدد خدا امداد می‌شوند.»

این فقره منتخب از دعای امیرالمؤمنین علیه السّلام است که می‌فرماید: «عِلمًا بأنَّ أزِمّةَ الأُمورِ بيَدِک و مَصادِرَها عن قَضائِک.»[3]

یکی از شرایط دعا این است که انسان وقتی حال انقطاع به سوی خدا دارد و حالش خوش است، و آن وقتی که رحمت پروردگار نازل می‌شود، دعا کند؛ امّا وقتی که حالش متغیّر است یا وقتی که غضب خدا می‌خواهد نازل شود، دعا زیاد تعریف ندارد.[4]

مرحوم کلینی در *کافی* از حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت می‌کند که در چهار موقع دعا را مغتنم بشمارید:

إغتَنِموا الدُّعاء عندَ أربَعٍ: عندَ قراءَةِ القُرآنِ و عندَ الأذانِ و عندَ نُزولِ الغَيثِ و عندَ التِقاءِ الصَفَّينِ للشّهادة.[5]

«وقتی که تلاوت قرآن می‌کنید، بعد از آن دعا کنید!»

زیرا که در حال تلاوت قرآن، شما مشغول صحبت کردن با خدا بودید و کلام او را استماع کردید و انقطاعی پیدا کردید و رحمتی به شما نازل شده است؛ لذا دعا بعد از تلاوت قرآن مستجاب است.

«و دعا بعد از اذان مستجاب است.»

خدا را به تکبیر و تحمید یاد کردید، شهادت بر توحید و رسالت دادید، بر سنّت پیغمبر اعلام به نماز کردید و حالی پیدا کردید، و اگر دعا کنید مستجاب است؛ لذا مستحب است انسان بعد از اذان دعا کند. (هم‌چنین دعا بین اذان و اقامه هم وارد شده است.[6])

«و هنگامی که باران از آسمان می‌آید، دعا کنید! (چون رحمت خدا نازل می‌شود.)

و وقتی دو صف: صف مؤمنین و صف کفّار و مشرکین برای جنگ در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند.»

---

[1] *همان*، ص ٤٧٤ و ٤٧٥ و ٤٩٠؛ *عدّة الداعی*، ص ١٥٤ و ١٥٥.

[2] *شرح المنظومة*، ج ٢، ص ٣٥.

[3] *نهج البلاغة* (صبحی صالح)، ص ٣٤٩، خطبهٔ ٢٢٧. *تفسیر آیهٔ نور*، ص ٢٤٣، تعلیقه:

«زیرا که می‌دانند سررشتهٔ تمام کارها به دست توست، و صدور احکام قضاء به فرمان تو می‌باشد.»

[4] *الکافی*، ج ٢، ص ٤٧٧.

[5] *همان*.

[6] *عدّة الداعی*، ص ١٢٥.

مؤمنین در مقابل کفّارند و آمادهٔ برای شهادت، در میدان جهاد قدم گذاشته‌اند و همه به سوی خدا منقطع‌اند، اینجا دعا مستجاب است؛ لذا قبل از اینکه جنگ کنند، دعا کنند.

روایت دیگری در *کافی* از حضرت صادق علیه السّلام است که می‌فرماید:

أُطلُبوا الدُّعاءَ فی أربَعِ ساعاتٍ: عندَ هُبوبِ الرّیاح و زَوالِ الأَفیاءِ و نُزولِ المَطَر و اوّلِ قَطرَةٍ مِن دَمِ القَتیلِ المُؤمنِ؛ فإنّ أبوابَ السَّماءِ تُفتَحُ عندَ هَذهِ الأشیاءِ.[1]

«در چهار ساعت دعا کنید: وقتی که باد می‌وزد، دعا کنید! (آن وزش باد رحمت خدا است.) و در وقتی که سایه‌ها می‌رود و خورشید غروب می‌کند (در آن منظرهٔ غروب خورشید)، دعا مستجاب است.»

خدا هم در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾.[2]

«و وقتی باران از آسمان می‌آید، دعا کنید! و وقتی اوّلین قطره از خون شهید مؤمن به زمین ریخته می‌شود، دعا کنید! این ساعت خیلی قیمت دارد و درهای آسمان در این مواقع باز است و کسی که دعا کند، دعایش مستجاب است.»

حصول شرایط استجابت دعا در شب قدر

حالا که شب بیست و یکم ماه رمضان است و ما در این مسجد آمده‌ایم، غیر از آن شرایطی که سابقاً ذکر شد[3] و إن‌شاءاللَه در ما محقَّق است، مسلّماً بعضی از این شرایطی هم که ذکر کردیم، محقّق است؛ اوّلاً: بعد از نماز و تلاوت قرآن و عبادت و اذان و دعا و اینها است، و ثانیاً: دعایی که می‌کنیم جدّاً بخواهیم و در این دعا إلحاح داشته باشیم و یقین داشته باشیم که کار به دست خدا است و بس!

امشب شب عزیزی است، شب شهادت امیرالمؤمنین است، یگانه دُرّ صدف کائنات، یگانه والی عالم امکان و یگانه خورشید آسمان ولایت، که امشب خون او به زمین ریخته شده است؛ بنابراین در چنین موقعی دعا کنیم، کأنّه در اطراف بستر امیرالمؤمنین هستیم و به برکت آن حضرت که واسطهٔ فیض و موجب جلب افاضات عالم ملکوت بر این عالم است، خدا تفضّلی می‌کند و دعاهای ما را مستجاب می‌کند.

همه به‌سوی خدا منقطع باشید و یک توبهٔ اجمالی از همهٔ گناهان بکنید، بعد برای قضای حوائج شخصی، نوعی، رفع گرفتاری‌ها، فرج امام زمان، تعجیل ظهور آن حضرت، صفای قلب، زیادی یقین، روحانیّتی که خدا به دل‌های شما بدهد و از عمری که می‌کنید حدّاکثر استفاده را بنمایید و در عاقبت عافیت نصیب شما بشود، دعا کنید! اینها مسائل خیلی مهمّی است که در این مواقع حسّاس، اگر از خدا بخواهیم امید استجابت داریم.

---

[1] *الکافی*، ج ۲، ص ٤٧٦.

[2] سوره طه (۲۰) آیه ۱۳۰. *نور ملکوت قرآن*، ج ۲، ص ٥٤٣:
«و قبل از آنکه آفتاب طلوع کند و قبل از آنکه غروب نماید، با حمد و ستایش پروردگارت او را تسبیح کن!»

[3] رجوع شود به ص ۱۵۸.

علّت لزوم پایبندی همهٔ افراد به آخرین وصیّت امیرالمؤمنین علیه السّلام

امیرالمؤمنین علیه السّلام چند وصیّت کردند که وصیّت‌های آن حضرت در کتب معتبره ثبت شده است. یک وصیّت هم امروز کردند، که مرحوم کلینی آن وصیّت را در *فروع کافی* در کتاب وصایا ذکر کرده است،[1] و هم‌چنین ابن‌شُعبهٔ حَرّانی در *تحف العقول* آورده است.[2] این وصیّت امیرالمؤمنین که راجع به نماز و زکات و احسان و دست‌گیری از أیتام و مستمندان و حجّ بیت‌اللَه الحرام و سایر جهات است، طبق فرمایش آن حضرت، اختصاص به حضرت امام حسن و امام حسین و سایر فرزندان آن حضرت ندارد، بلکه می‌فرماید: «مَن بَلَغَهُ کتابی؛ کسی که این وصیّت من به او برسد او وصیّ من است؛ هرکه می‌خواهد باشد.» بنابراین ما این وصیّت را می‌خوانیم و معنا می‌کنیم و بعد إن‌شاءاللَه به مقدار مقتضی در احوالات امیرالمؤمنین صحبت می‌کنیم. این وصیّتی که الآن قرائت می‌شود، بعد از این فرمایش حضرت است: «هر کس این وصیّت را بشنود وصیّ من است.» بنابراین ما همه وصیّ امیرالمؤمنین می‌شویم، پس خیلی دارای مقام و شرف هستیم که امیرالمؤمنین ما را وصیّ خود قرار می‌دهد! آن‌وقت در این مقام باید دانست که کسی که وصیّ امیرالمؤمنین بشود و بر خلاف وصیّت رفتار کند، کارش مشکل است؛ چون در قرآن مجید داریم:

﴿فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعۡدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثۡمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾.[3]

«شخصی که از دار دنیا می‌خواهد برود و کسی را وصیّ خود قرار می‌دهد، آن کسی که وصیّ می‌شود باید طبق وصیّت رفتار کند؛ اگر تبدیل بکند، تحریف بکند و مواد و موارد وصیّت را از روی ذوق و سلیقهٔ خود عوض بکند گناه بر گردن او است، و خدا دانا است و از تحریف و تبدیل او اطّلاع دارد.»

حالا همه آماده باشیم که وصیّت امیرالمؤمنین علیه السّلام را گوش کنیم و از خدا بخواهیم که ما را به عمل کردن بر طبق این وصیّت، موفّق کند:

فرازهای از وصیّت امیرالمؤمنین علیه السّلام در نوزدهم ماه مبارک رمضان

بسم اللَه الرّحمٰن الرّحیم

هذا ما أوصیٰ بِهِ عَلِیُّ بنُ أبی‌طالِب: أوصیٰ أنّه یَشهَدُ أن لاإلٰهَ إلّا اللَه وَحدَهُ لاشَریکَ لَهُ و أنّ مُحمدًا عَبدُهُ و رَسولُه، ﴿أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ﴾،[4] صلّی اللَه عَلَیهِ و آلِهِ، ثُمَّ ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ

---

[1] *الکافی*، ج ۷، ص ۵۱.

[2] *تحف العقول*، ص ۱۹۷.

[3] سوره بقره (۲) آیه ۱۸۱.

[4] سوره توبه (۹) آیه ۳۳؛ سوره صفّ (۶۱) آیه ۹.

أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ﴾.[1]

«بسم اللَه الرّحمٰـن الرّحيم. اين آن موادّى است كه علىّ بن أبى‌طالب به آن وصيّت كرده است؛ وصيّت مى‌كند بر يگانگى پروردگار و شهادت بر آن مى‌دهد، و شهادت مى‌دهد كه محمّد بندهٔ خدا و رسول خدا است كه: ﴿خدا او را با هدايت فرستاده است براى اينكه مردم را به عالم توحيد و معرفت رهبرى كند، و او را با دين حق فرستاده است تا اينكه دين او بر ساير اديان و آراء و مذاهب غلبه كند، گرچه مشركين را ناپسند باشد.﴾ پس ﴿نماز من، عبادت من، زندگى من و مردن من اختصاص به خدا دارد * پروردگار و آفريدگار عالميان، شريكى ندارد، و من مأمور به اين مطلب هستم و شهادت مى‌دهم كه من از مسلمانانم.﴾»

وصيّت اميرالمؤمنين به تقوا و اتّحاد بين مؤمنين

ثمّ إنّى أوصيكَ يا حَسَن و جَميعَ أهلِ‌بَيتى و وُلدى و مَن بَلَغَهُ كِتابى، بِتَقوَى اللَه ربِّكُم ﴿وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ﴾.[2]

«پس حقّاً من تو را وصىّ قرار مى‌دهم اى فرزندم، اى حسن، و وصىّ قرار مى‌دهم جميع اهل‌بيت خود و فرزندان خود را، و هر كس كه اين وصيّت من و اين نوشتهٔ من به او برسد؛ شما را به تقواى خدا كه پروردگار شما است سفارش مى‌كنم و وصيّت مى‌كنم كه ﴿مبادا شما را مرگ دريابد الاّ به حال اسلام و تسليم اوامر پروردگار!﴾»

﴿وَٱعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ ٱللَهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُواْ﴾،[3] فَإنّى سَمِعتُ رسول اللَه صلّى اللَه عَلَيهِ و آلِهِ يَقولُ: «صَلاحُ ذاتِ البَينِ أفضَلُ مِن عامَّةِ الصّلاةِ و الصّيامِ؛ و أنّ المُبيرَةَ الحالِقَةَ لِلدّينِ فَسادُ ذاتِ البَينِ.» و لا قوّةَ إلّا باللَه العَلىِّ العَظيمِ.

«﴿همه به ريسمان خدا چنگ بزنيد، يك‌دل و يك‌جهت و يك‌هدف باشيد و جدايى و تفرقه نداشته باشيد.﴾ و من از پيغمبر خدا شنيدم كه مى‌فرمود: "اگر كسى بين دو نفر كه با يكديگر كدورت دارند اصلاح كند، ثوابش از همهٔ نمازها و روزه‌ها بيشتر است؛ و آن چيزى كه اساس دين را ريشه‌كن مى‌كند و مى‌بُرد، فساد كردن و آتش كدورت را دامن زدن است بين دو نفر كه با يكديگر كدورت دارند."»

وصيّت اميرالمؤمنين نسبت به خويشاوندان، يتيمان، قرآن و همسايگان

اُنظُروا ذَوى أرحامِكُم فَصِلوهُم، يُهَوِّنُ اللَه عَلَيكُم الحِسابَ!

«ديگر آنكه در ارحام خود نظر كنيد، از احوالات آنها تفقّد و تجسّس كنيد، به رحم‌هاى خود رسيدگى كنيد و آنها را صله كنيد، خدا هم به پاداش اين عمل، حساب شما را در روز بازپسين آسان مى‌كند!»

اللَه اللَه فى الأيتامِ! فَلا تُغِبّوا أفواهَهُم و لا يَضيعوا بِحَضرَتِكُم! فقَد سَمِعتُ رسول اللَه صلّى اللَه عَلَيهِ و

---

[1] سوره أنعام (٦) آيه ١٦٢ و ١٦٣.

[2] سوره آل عمران (٣) آيه ١٠٢.

[3] سوره آل عمران (٣) آيه ١٠٣.

آلِهِ يَقولُ: «مَن عالَ يَتيمًا حَتّىٰ يَستَغنى أَوجَبَ اللَه عزّوجلّ لَهُ بِذلِکَ الجَنَّةَ، کَما أَوجَبَ لِآکلِ مالِ اليَتيمِ النّارَ.»

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ یتیمان در نظر بگیرید! مبادا آنها گرسنه بمانند! مبادا به آنها رسیدگی نشود و از آنها سرپرستی نکنید! مبادا در مرئیٰ و منظر شما حقّ آنها ضایع بشود! من از پیغمبر خدا شنیدم که می‌فرمود: "کسی که متکفّل امر یتیمی بشود تا به سر حدّی که خود آن یتیم مستغنی بشود و در امورش خود مختار شود، خدا به پاداش این عمل، بهشت را بر او واجب می‌کند؛ کما اینکه به خورندهٔ مال یتیم آتش را واجب کرده است."»

اللَه اللَه فی القُرآنِ! فَلا يَسبِقُکُم إلَى العَمَلِ بِهِ أحَدٌ غَيرُکُم!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ قرآن و در عمل به قرآن در نظر بگیرید! مبادا افرادی غیر از شما که دارای مذهب شما نیستند، به قرآن عمل کنند، از ظواهر قرآن استفاده کنند و در عمل به قرآن از شما جلو بیفتند!»

اللَه اللَه فی جيرانِکُم! فَإنَّ النَّبيَّ صلّى اللَه عَلَيهِ و آلِهِ أوصىٰ بِهِم! و ما زالَ رسول اللَه صلّى اللَه عَلَيهِ و آلِهِ يوصى بِهِم حَتّىٰ ظَنَنّا أنّهُ سَيورِّثُهُم!

«خدا را دربارهٔ همسایگانتان در نظر بگیرید! پیغمبر شما دائماً به همسایگان وصیّت می‌کرد! و پیوسته رسول خدا وصیّت به همسایگان می‌کرد تا به سر حدّی که ما گمان بردیم که قرابت و نزدیکی همسایه با انسان به حدّی است که پیغمبر می‌خواهد آنها را وارث انسان قرار بدهد!»

وصیّت امیرالمؤمنین نسبت به خانهٔ خدا، نماز، زکات، ماه رمضان و فقرا

اللَه اللَه فی بَيتِ رَبِّکُم! فَلا يَخلوا مِنکُم ما بَقيتُم! فَإنّهُ إن تُرِکَ لم تُناظَروا! و أدنىٰ ما يَرجِعُ بِهِ مَن أمَّهُ أن يُغفَرَ لَهُ ما سَلَفَ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را در خانهٔ پروردگارتان در حجّ و عمره و زیارت بیت‌اللَه الحرام در نظر بگیرید! مبادا آن خانه را از خود تنها بگذارید تا آنگاه که شما باقی هستید! بدانید که اگر خانهٔ خدا ترک بشود و کسی برای زیارتش نرود، دیگر هیچ نظر رحمتی به شما نخواهد شد! و کمترین اجر و ثواب کسی که قصد خانهٔ خدا می‌کند آن است که تمام گناهان گذشتهٔ او آمرزیده می‌شود.»

اللَه اللَه فی الصّلاةِ! فَإنّها خَيرُ العَمَلِ، إنّها عَمودُ دينِکُم!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ نماز در نظر بگیرید! نماز بهترین اعمال است، حقّاً نماز ستون دین شما است!»

اللَه اللَه فی الزّکاةِ! فإنّها تُطفِئُ غَضَبَ رَبِّکُم!

«خدا را در ادای زکات در نظر بگیرید، و زکات مال خود را بدهید؛ چون زکات غضب پروردگار شما را خاموش می‌کند!»

اللَه اللَه فی شَهرِ رَمَضان! فَإنَّ صيامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ!

«خدا را دربارهٔ ماه رمضان در نظر بگیرید! روزهٔ ماه رمضان سپری است از آتش جهنّم!»

اللَه اللَه فی الفُقَراءِ و المَساکینَ! فَشارِکوهُم فی مَعایشکُم!
«خدا را دربارهٔ مستمندان و فقرا و بینوایان در نظر بگیرید! و آنها را در معیشت‌های خود شرکت بدهید!»

وصیّت امیرالمؤمنین نسبت به جهاد، ذریّه و اصحاب پیغمبر، زنان و کنیزان

اللَه اللَه فی الجَهادِ بأموالِکُم و أنفُسِکُم و ألسِنَتِکُم! فإنّما یُجاهِدُ رَجُلانِ: إمامُ هُدًی أو مُطیعٌ لَهُ مُقتَدٍ بِهُداه.
«خدا را دربارهٔ جهاد با اموال خود، با جان‌های خود و با زبان‌های خود در نظر بگیرید و با اینها در راه خدا جهاد کنید! فقط دو دسته در راه خدا مجاهدند: یکی آن پیشوایی که از روی هدایت و بصیرت، زمام امور مردم را در دست گرفته است و امام به‌حق و عادل برای جمعیّت است؛ دیگر آن کسی که مطیع چنین امامی است و اقتدا به هدایت و راهنمایی او می‌کند؛ (و بقیّهٔ افراد مجاهد نیستند).»
اللَه اللَه فی ذُرِّیَّةِ نَبِیِّکُم! فَلا یُظلَمُنَّ بِحَضرَتِکُم و بَینَ ظَهرانَیکُم، و أنتُم تَقدِرونَ عَلَی الدَّفعِ عَنهُم!
«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ ذرّیهٔ پیغمبر خود در نظر بگیرید! مبادا در میان شما و در حضور و غیبت شما آنها مورد ستم و ظلم واقع بشوند! مبادا در شهر شما آنها مورد ستم واقع بشوند و شما بتوانید از آنها دفع کنید ولی دفاع نکنید!»
اللَه اللَه فی أصحابِ نَبِیِّکُم الّذینَ لم یُحدِثوا حَدَثًا و لم یُؤْوُوا مُحدِثًا! فإنّ رسولَاللَه صلّی اللَه عَلَیهِ و آلِهِ أوصیٰ بِهِم، و لَعَنَ المُحدِثَ منهم و مِن غیرِهم و المُؤْوِیَ لِلمُحدِثِ!
«خدا را دربارهٔ اصحاب پیغمبر خود در نظر بگیرید، آن اصحابی که بدعتی در دین نگذاشتند و حَدَثی ایجاد نکردند و بدعت‌گذارنده‌ای را مأوا ندادند! پیغمبر خدا به آن اصحاب پاک، سفارش می‌فرمود؛ ولی آن افرادی از صحابهٔ خود را که حَدَثی در دین می‌گذاشتند و دین تازه‌ای به نام سنّت پیغمبر می‌آوردند و بدعتی می‌نهادند، لعن می‌کرد؛ و هم‌چنین آن افرادی از اصحاب خود و از غیر از اصحاب خود را که به آن افرادی که بدعت می‌گذاردند و ایجاد حَدَثی در دین می‌کردند، مأوا می‌دادند و کمک می‌کردند، لعن می‌کرد!»
اللَه اللَه فی النِّساءِ و فی ما مَلَکَت أیمانُکُم! فَإنَّ آخِرَ ما تَکَلَّمَ بِهِ نَبِیُّکُم علیه السّلام أن قال: «أُوصیکُم بالضَّعیفَینِ: النِّساءِ و ما مَلَکَت أیمانُکُم!»
«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ زنان و دربارهٔ مماليک خود در نظر بگیرید! باید به کنیزها و غلام‌هایی که زیر دست شما هستند خیلی احسان و رحمت کنید! آخرین سخنی که پیغمبر شما فرمود این بود: "ای مردم، شما را وصیّت می‌کنم به دو طایفهٔ ضعیف که حقّ آنها را رعایت کنید: یکی طایفهٔ زنان و دیگر مماليک شما!"»

وصیّت امیرالمؤمنین به پایداری در راه خدا، احسان و کمک به دیگران، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر

الصَّلاةَ الصَّلاةَ الصَّلاةَ! «نماز، نماز، نماز!»
لا تَخافوا فی اللَه لَومَةَ لائِمٍ! یَکفِکُمُ اللَه مَن آذاکُم و بَغیٰ عَلَیکُم!

«در راه خدا از هیچ امری نترسید و از ملامتِ هیچ ملامت‌کننده‌ای باک نداشته باشید! خدا خودش از اذیّت افرادی که می‌خواهند شما را آزار بدهند و بر شما ستمی بکنند، کفایت می‌کند! شما در راه خدا حرکت کنید و باکی نداشته باشید؛ خدا حافظ شما است!»

﴿وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا﴾،[1] كَما أمَرَكُمُ اللَه عزّوجلّ!

«﴿با مردم به نیکی برخورد کنید! (زبان خوش داشته باشید، امر به خوبی کنید و دعوت به بدی نکنید.)﴾ کما اینکه خدای عزّوجلّ شما را به آن امر کرده است!»

و لا تَترُکوا الأمرَ بالمَعروفِ و النَّهیَ عن المُنکَر، فَیُوَلّیَ اللَه أمرَکُم شِرارَکُم ثُمَّ تَدعُونَ فَلا یُستَجابُ لَکُم عَلَیهِم!

«امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ که اگر ترک کردید خداوند بدان شما را بر شما مسلّط می‌کند که زمام امور شما را به دست بگیرند، سپس هرچه دعا کنید دیگر مستجاب نمی‌شود!»

و عَلَیکُم ـ یا بَنِیَّ ـ بالتَّواصُلِ و التَّباذُلِ و التَّبارِّ، و إیّاکُم و التَّقاطُعَ و التَّدابُرَ و التَّفَرُّقَ!

«ای فرزندان من، بر شما باد و لازم و واجب است که با یکدیگر وصل کنید، اتّحاد کنید، دربارهٔ یکدیگر ایثار کنید، فداکار باشید، شما مال خود را به دیگری بذل کنید و دیگری به شما بذل کند، و برّ و احسان شما از هریک به دیگری برسد! و مبادا شما به یکدیگر پشت کنید و جدایی اختیار کنید و احسان و مودّت و صمیمیّت و اتّحاد بین شما بریده شود!»

﴿وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَهَۖ إِنَّ ٱللَهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾.[2]

«﴿تا می‌توانید به یکدیگر کمک کنید! هرچه می‌توانید در برّ و تقوا، در نیکی، در احسان، در کارهای خوب و در کارهایی که انسان را به تقوا می‌رساند، کمک کنید! و بر گناه و ستم کمک نکنید، و هرجا که می‌بینید جای گناه یا جای ستم است، خودتان را کنار بکشید و به‌هیچ‌وجه کمک‌کار در آن کار نباشید! و از خدا بپرهیزید که خدا ﴿شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾ است!﴾»

حَفِظَکُمُ اللَه مِن أهلِ بَیتٍ، و حَفِظَ فیکُم نَبِیَّکُم! أستَودِعُکُمُ اللَه و أقرَءُ عَلَیکُمُ السَّلام و رَحمَةُ اللَه و بَرَکاتُهُ!

«خدا إن‌شاءاللَه همهٔ شما را حفظ کند، که شما اهل‌بیت من و از این خاندان هستید، و خدا در میان شما پیغمبر شما را حفظ کند! (یعنی سنّت و آیین پیغمبر را در قلوب شما حفظ کند تا وجود شما همیشه ملازم با پیغمبر باشد و از حیات پیغمبر در دل‌های شما باشد.) همهٔ شما را به خدا می‌سپارم، با همهٔ شما وداع می‌کنم و بر همهٔ شما سلام می‌فرستم، سلام خدا و رحمت خدا و برکات خدا بر شما باد!»

ثُمَّ لم یَزَل یَقولُ: «لا إلهَ إلّا اللَه لا إلهَ إلّا اللَه» حَتّیٰ قُبِلَ صَلَواتُ اللَه عَلَیهِ؛ «آن حضرت بعد از این وصیّت دائماً می‌گفت: "لا إله إلّا اللَه، لا إله إلّا اللَه!" تا اینکه روح مبارکش به عالم ملکوت رهسپار شد.»[3]

---

[1] سوره بقره (۲) آیه ۸۳.

[2] سوره مائده (۵) آیه ۲.

[3] *الکافی*، ج ۷، ص ۵۱.

این وصیّتی است که مسلّماً امروز فرموده است؛ چون از ذیل این وصیّت که می‌فرماید: «ثُمَّ لَمْ‌یَزَل یَقولُ: "لاإلهَ إلّا اللهَ"حَتّیٰ قُتِلَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِ» معلوم می‌شود که آخرین وصیّت آن حضرت است و امیرالمؤمنین علیه‌السّلام واقعاً جهات مهمّی را در این وصیّت تذکّر داده است و به ما سفارش کرده است.

امیدواریم که از مقام ولایت آن حضرت کمکی بشود و ما از این به بعد موفّق بشویم که به این وصیّت آن حضرت عمل کنیم و نماز، زکات، روزهٔ ماه رمضان، عمل به قرآن، حجّ بیت‌اللّه الحرام، کمک به مستمندان و فقیران و مسکینان و یتیمان و مراعات زنان و سایر اموری را که آن حضرت در این وصیّت‌نامه به ما تذکّر داده‌اند، محترم بشماریم.

ذکر شهادت امیرالمؤمنین علیه السّلام

روایتی در *بحارالانوار* است که محمّد بن حنفیّه روایت می‌کند:

در شب بیستم ماه رمضان، آثار زهر در قدم‌های پدرم امیرالمؤمنین ظاهر شد. در آن شب نتوانست ایستاده نماز بخواند و تا صبح نمازها را نشسته می‌خواند و از شدّت اثر سمّ تا صبح آن حضرت را خواب نبرد، و دائماً با ما صحبت می‌کرد و ما را به غیب دلالت می‌کرد و ما را تسلّی می‌داد. صبح که شد فرمود: «در را باز کنید تا هر کسی می‌خواهد به عیادت من بیاید، بیاید!»

ما در را باز کردیم و مردم دسته‌دسته برای عیادت پدرم می‌آمدند. پدرم می‌فرمود: «سَلونی قَبلَ أن تَفقِدونی! هرچه می‌خواهید سؤال کنید قبل از اینکه دیگر مرا نیابید!» مردم سؤال می‌کردند، و آقا به جهت وضعیّت‌شان می‌فرمودند: «هرچه می‌خواهید سؤال کنید، ولی سؤال‌های خود را کوتاه و سبک کنید!»

حُجر بن عَدی که از اصحاب بزرگوار آن حضرت است، برخاست و چند بیت شعر در [رثاء آن حضرت و برائت از قاتلان و دشمنان حضرت خواند.

امیرالمؤمنین فرمود: «چه حالی داری] در آن وقتی که تو را بطلبند و بگویند که از علی بیزاری بجوی!» گفت: «قسم به خدا اگر مرا زیر شمشیر قطعه‌قطعه کنند و بعد آتش بزنند، من از تو برائت نخواهم جُست!» امیرالمؤمنین علیه السّلام دربارهٔ او دعای خیری کرد.[1]

بعد از این، [ابن‌ملجم را وارد کردند]. حضرت اُمّ‌کلثوم رو به ابن‌ملجم کرد و گفت: «ای ابن ملجم، کار بزرگی کردی! اگر امیرالمؤمنین بهبودی بیابد وای به حال تو!» ابن‌ملجم گفت: «امیرالمؤمنین بهبودی بیابد! کجا بهبودی بیابد؟! پس تو چرا گریه می‌کنی؟ آیا بر من گریه می‌کنی یا بر علی؟ من شمشیری به هزار درهم خریدم و هزار درهم به آن سمّ دادم، و چنان ضربتی زدم که اگر بر اهل عالم قسمت کنند همه می‌میرند!»[2] این ضربت ابن‌ملجم بود!

---

[1] *بحار الأنوار*، ج ۴۲، ص ۲۹۰.

[2] *همان*، ص ۲۸۹، به نقل از *الإرشاد*، ج ۱، ص ۲۱.

أصبغ بن نباته می‌گوید:

من وارد شدم و دیدم که امیرالمؤمنین از شدّت درد، یک پای خود را بلند می‌کند و می‌گذارد، بعد پای دیگر را بلند می‌کند و می‌گذارد.[1]

[راوی می‌گوید]:

حال آقا ساعت به ساعت سنگین می‌شد و فرمود که درب منزل را ببندند، و دیگر کسی برای ملاقات نمی‌آمد. تمام پسران و دختران را امر فرمود تا همه حاضر شدند. ذکر آن حضرت «لا إله إلّا اللّه» بود و بس! تقریباً ثلثی از شب که گذشت، بدن آقا غرق عرق شد و عرق از پیشانی مبارکش مانند دانه‌های درّ می‌ریخت، آقا عرق‌های پیشانی را با دست پاک می‌کرد و می‌فرمود: «شنیدم از رسول خدا که می‌فرمود: "وقتی وفات مؤمن نزدیک می‌شود، پیشانی‌اش عرق می‌کند و نالهٔ او ساکت می‌شود."»

حضرت امام حسن عرض کرد: «پدر جان، طوری صحبت می‌کنی کأنّه به‌کلّی از خود نا امید شده‌ای!»

فرمود: «آری، چند لحظه‌ای دیگر من با شما نیستم! چهار شب پیش در شب هفدهم ماه رمضان، به شکرانهٔ فتح بدر که در روز هفدهم ماه رمضان اتّفاق افتاد، من تا صبح بیدار بودم، در بین‌الطّلوعین از شدّت بیدار ماندن، سرم را روی زانو گذاشته بودم که به یک چُرت مختصری رفتم، جدّت رسول خدا را دیدم و به آن حضرت عرض کردم: یا رسول‌اللّه، ماذا لَقِیتُ مِن أُمَّتِکَ مِنَ الأَوَدِ و اللَّدَد![2] "چقدر من از دست این امّت آزار کشیدم و چقدر اینها با من دشمنی و شقاوت و بدبختی کردند!"

پیغمبر فرمود: "ای علی، دعا کن!" من دعا کردم: خدایا، بعد از من بدان را بر آنها مسلّط کن و به عوض آنها، ملاقات خوبان را نصیب من کن!

جدّت فرمود: "ای علی، دعایت مستجاب شده است و سه شب دیگر میهمان ما هستی!" ای حسن! این شب، شب سوّم است!»

حضرت به امام حسن فرمود:

«تو را وصیّت می‌کنم که بعد از من به صبر و بردباری رفتار کنی و با برادران خود به مهربانی و عطوفت! از همهٔ آنها سرپرستی کنی و با برادرت محمّد بن حنفیّه مهربان باش! می‌دانی که من او را دوست دارم، و او فرزند پدر تو است. امّا دربارهٔ حسین، او فرزند زهرا است و برادر اعیانی[3] تو است، و دیگر احتیاج به وصیّت و سفارش نیست!»

حضرت امام حسن خیلی گریه می‌کرد، امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: «تو را به جان من و به حقّ

---

[1] *الرّوضة فی فضائل أمیرالمؤمنین*، ابن‌شاذان، ص ۱۳۲.

[2] مطابق نسخهٔ *نهج البلاغة* (صبحی صالح)، ص ۹۹، خطبه ۷۰. نسخهٔ *بحار الأنوار*: «فشکَوتُ إلیه ما أنَا فیه من التذلّلِ و الأذیٰ من هَذه الأُمّة.»

[3] یعنی برادر پدری و مادری. (محقّق)

من بر تو، گریه نکن!»

فرزندش امام حسن عرض کرد: «پدر جان، کمر ما را شکستی! به خدا قسم آن‌قدر گریه برای مصیبت تو باشد!»

آقا از هوش رفت! سیّدالشّهدا علیه السّلام مانند ابر بهار گریه می‌کرد و از شدّت گریه، چشمانش آماس و ورم کرده بود. اشک‌های آن حضرت به صورت امیرالمؤمنین ریخت، حضرت چشمان خود را باز کرد و حضرت امام حسین را در آغوش گرفت و فرمود:

«تو را به حقّی که بر تو دارم، گریه نکن! الآن در آسمان‌ها بودم، دیدم گریهٔ تو ملائکهٔ آسمان را به گریه درآورده است! ای حسین من! بعد از این، این امّت کینه‌های دیرینه‌ای از شما خواهند کشید و شما را به انواع مصائب مبتلا خواهند کرد، و تو را با تیر ستم شهید می‌کنند! بر تو باد به استقامت و صبر و تفویض امور خود به خداوند متعال!» آنگاه آقا نگاهی به سایر فرزندان کرد و فرمود:

«ای فرزندان من، دست از این دو برادر خود بر ندارید! از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: "إنَّ الحَسَنَ و الحُسَینَ إمامانِ، قاما أو قَعَدا؛ حسن و حسین دو امام به‌حقّ‌اند؛ قیام کنند یا قعود!"[1] در تمام مراحل از آنها پشتیبانی کنید، امر آنها را اجرا کنید و از آنها جدا نشوید! خدا همهٔ شما را مورد رحمت و عافیت و مغفرت قرار بدهد!»

آقا بی‌هوش شد، دیگر رمقی نمانده است! صدای شیون و ناله از همهٔ افرادی که کنار بستر حضرت بودند بلند شد! چند لحظه‌ای نگذشت که چشمان خود را باز کرد صدا زد:

«ای نور دیدگان من، همهٔ شما را به خدا می‌سپارم! الآن پیغمبر آمده است، حمزهٔ سیّدالشّهدا آمده است، برادرم جعفر آمده است، و می‌گویند: "ای علی، بهشت را زینت کرده‌ایم، زود به‌سوی ما بشتاب! ما همه انتظار ملاقات تو را داریم."»

آن‌وقت فرمود: «ای ملائکه‌ای که به استقبال علی آمده‌اید، سلام من بر شما! ﴿لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَٰمِلُونَ﴾،[2] ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ﴾.[3]»[4] (برای اینکه اکنون نخستین ساعتی است که نتیجهٔ ایمان و جهاد و عبادت در آن ساعت وارد می‌شود!)

---

[1] مطابق نسخهٔ *مناقب آل أبی‌طالب* علیهم السّلام، ج ۳، ص ۳۹٤. نسخهٔ *بحار الأنوار*: «أوصاهم أن لایُخالفوا أولادَ فاطمة، یعنی الحسن و الحسین.»

[2] سوره صافات (۳۷) آیه ٦۱. *رسالهٔ لبّ اللباب*، ص ۱۸، تعلیقه:
«برای چنین چیزی، عمل‌کنندگان باید عمل کنند!»

[3] سوره نحل (۱٦) آیه ۱۲۸. *رسالهٔ لبّ اللباب*، ص ۱۸، تعلیقه:
«خداوند همراه کسانی است که تقوا گزیده‌اند و آنان که ایشان نیکوکارند.»

[4] *بحار الأنوار*، ج ٤۲، ص ۲۹۱، باقدری اختلاف.

این آخرین خطبهٔ حضرت بود. [راوی می‌گوید]:

حضرت یک نظر مرحمت دیگر به تمام اولاد کرد و بعداً پاهای خود را رو به قبله کشید و صدا زد: «أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللَه و أنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ و رَسولُه!»

صدای شیون و ناله از خانهٔ امیرالمؤمنین بلند شد، همه فریاد می‌زدند: «وا أبَتاه، وا أبَتاه، وا إماما، وا عَلیّاه، واعَلیّاه، وا مُحَمَّداه، وا جَعفَراه، وا مُصطَفاه!»

جبرائیل امین در میان آسمان و زمین صدا می‌کرد: «ای اهل عالم، علی را کشتند!»

صدای جبرئیل به تمام خانه‌های کوفه رسید و صدای شیون و ناله از همهٔ خانه‌ها بلند شد: «وا عَلیّاه، وا عَلیّاه، وا عَلیّاه، وا عَلیّاه!»[1]

[1] رجوع شود به *بحار الأنوار*، ج ٤٢، ص ٢٩٣، با قدری اختلاف.